مفاهیم حقوق بشری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دادگاه اروپایی حقوق بشر

دادگاه اروپایی حقوق بشر (European Court of Human Rights) که مرکز آن در شهر استراسبورگ فرانسه است، بزرگ‌ترین مرجع حقوقی و قضایی در اروپا به شمار می‌رود. این دادگاه در سال ۱۹۵۹ به ابتکار شورای اروپا پایه گذاری گردید.

مرجع قانونی مزبور به پرونده‌های اتهامی مربوط به نقض حقوق بشر ارجاعیِ از سوی کمیسیون اروپایی حقوق بشر (فعال تا سال ۱۹۹۸)

یا به پرونده‌های ارجاعی کشورهای عضو شورای اروپا رسیدگی می کند. پس از اصلاحاتی در سازمان و شیوهٔ نظارت دادگاه، تشکیلات اصلاح شدهٔ دادگاه در نوامبر ۱۹۹۸ شروع به فعالیت کرد.

بنا به مواد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دولت‌های عضو این دادگاه متعهد می شوند که در حفظ حقوق اساسی ملت‌های خود بکوشند و عدم شکنجه، عدم کار اجباری و عدم بردگی را تضمین نمایند. همچنین تا زمان عدم وجود مدارکقابل قبولل، متهم بی گناه فرض می‌شود.

شایان‌ذکر است که تعداد قضات این دادگاه برابر با تعداد دولت‌های عضو (۴۶ نفر) است. در این بین، هر قاضی به عنوان رابط آن کشور عضو با دادگاه نیز مطرح می‌باشد.

اعلامیه اسلامی حقوق بشر

اعلامیه حقوق بشر اسلامی یا به‌اختصار اعلامیه قاهره (Cairo Declaration on Human Rights in Islam) در روز ۵ اوت سال ۱۹۹۰ در شهر قاهره به تصویب کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی (کنفرانس اسلامی سابق) رسید. بعدها به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران، روز مزبور به تقویم کشورهای عضو سازمان تحت عنوان روز «حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی» اضافه گردید.

اعلامیه قاهره به‌خودی‌خود واکنشی در قبال اعلامیه جهانی حقوق بشر است که تعاریف مطلق و اومانیستی از حقوق انسان به میان آورده است. به‌صورت کلی بنا به منابع اسلامی، من‌جمله قرآن کریم، پروردگار حق و حقوق جامعی را به نوع انسان اختصاص داده است که تعدی و تجاوز به آن‌ها جرم محسوب می‌گردد؛ بنابراین عبارت کرامت انسانی در امتداد حقوق بشر اسلامی در حقیقت دلالت بر کرامت اعطا شده به انسان از جانب پروردگار دارد.

شایان‌ذکر است که این اعلامیه پس از ۳۰ سال مورد بازنگری قرار گرفت و در نوامبر ۲۰۲۰ در نیامی، پایتخت نیجر به تصویب کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی رسید.

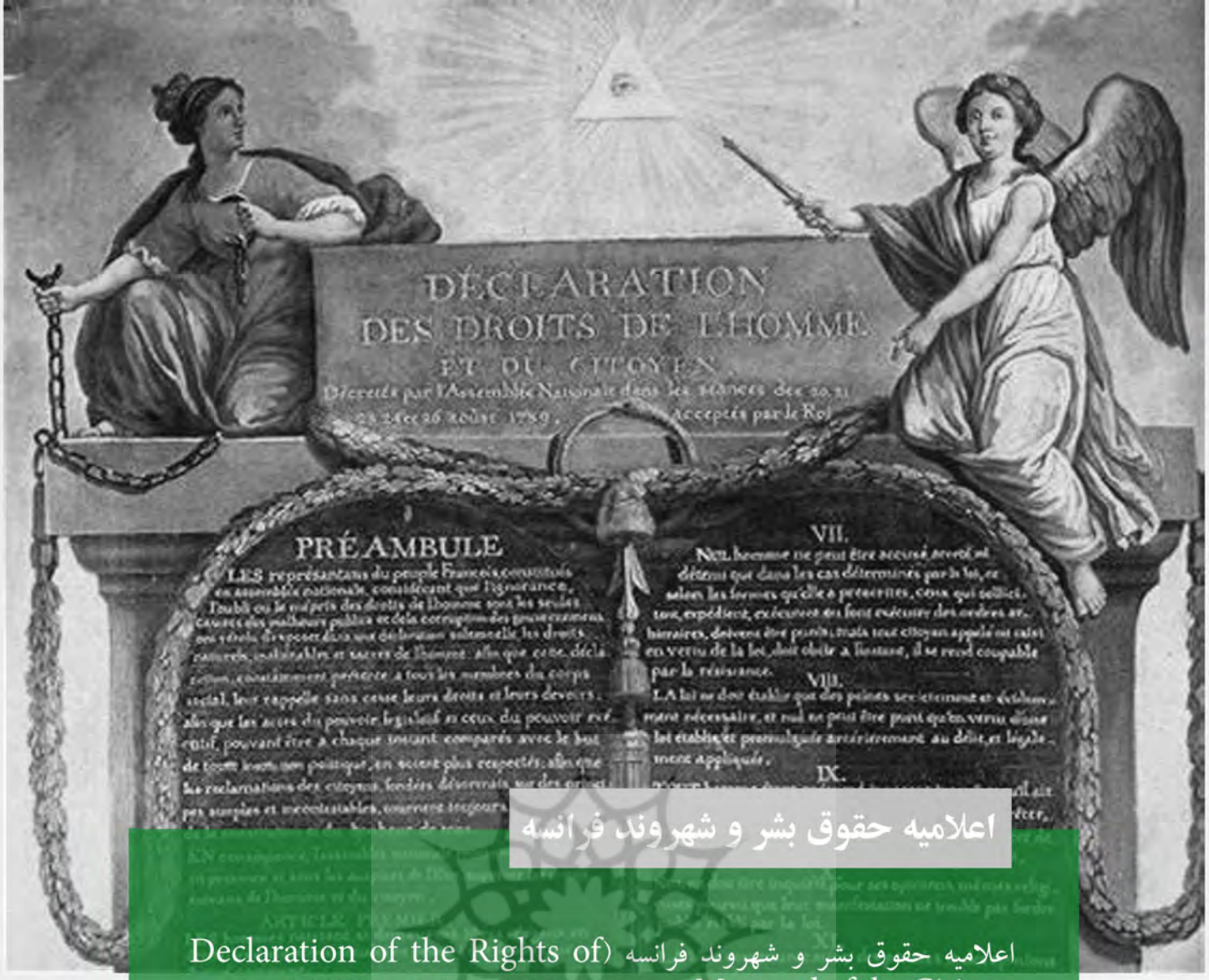

اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه

اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (Declaration of the Rights of Man and of the Citizen) از جمله اسناد اساسی انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه است. این سند به حقوق فردی و جمعی تمامی طبقات اشاره دارد. اعلامیه مزبور تحت تأثیر دکترین حقوق طبیعی بیان می‌دارد که حقوق انسان امری جهانی بوده و در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها معتبر و وابسته به طبیعت انسانی است؛ به‌طوری که نه‌تنها شهروندان فرانسوی، بلکه تمامی انسان‌ها را نیز در بر می گیرد.

این اعلامیه به‌مثابه نقطه آغازین جهت نگارش اسناد بین‌المللی حقوق بشری مطرح می‌باشد. دراین‌بین، نخستین افراد ناقض این اعلامیه، رهبران انقلاب کبیر فرانسه و همان افرادی بودند که با شور و هیجان اعلامیه مزبور را امضا و به تصویب رسانده بودند.

شایان‌ذکر است که در فاصله تصویب این اعلامیه تا نیمه قرن بیستم، قوانین اساسی بسیاری از کشورها در چهارچوب اصول آن تدوین شد. همچنین، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) نیز به‌شدت تحت‌تأثیر اعلامیه مذکور مورد نگارش و تصویب واقع گردید.

جمهـوریت

جمهوریت (Republic) یک شیوه حکومتی مردم‌سالارانه است که در آن ریاست کشور با رأی مستقیم (نظام ریاستی) یا غیرمستقیم (نظام پارلمانی) مردم برگزیده می‌شود. این ریاست دوران تصدی معینی دارد و در هر کشور بنا به اصول قانون اساسی متفاوت می‌باشد. بدیهی است که وراثت در این نوع از حکومت هیچ دخالتی نداشته و اقتدارات معین قانونی ریاست کشور (رئیس جمهور یا نخست‌وزیر) در یک مدت محدود و تحت نظارت قوانین دموکراتیک اعمال می‌شود.

اصل اساسی حکومت جمهوری تعیین دولت توسط قدرت ایجابی مردم می‌باشد. دراین‌بین، زمامدارانی که از طریق انتخابات برگزیده می‌شوند، احزاب، جمعیت ها و گروه‌های سیاسی را تشویق می کنند که به برنامه‌های آن‌ها رأی بدهند و نه به اشخاص. شایان‌ذکر است که قدرت زمامداران با اصول قانون اساسی و کنشگری های دیگر قوا محدود می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر ملت دارای آزادی‌هایی بر مبنای قانون اساسی است که دولت را اجازه تجاوز به حریم آن‌ها نیست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نظام ریاستی

نظام ریاستی (Presidential System) نوعی نظام حکومتی جمهوری محور مبتنی بر تفکیک قوا است که در آن ریاست قوهٔ مجریه با عنوان «رئیس‌جمهور» قدرت اجرایی خود را از رأی مردم برای مدت‌زمان معینی دریافت می‌کند.

در چنین نظامی رئیس‌جمهور اختیارات گسترده‌ای (فارغ از چهارچوب دموکراتیک یا اقتدارگرایانه کلی نظام) دارد. در این میان، رئیس‌جمهور و وزرای وی می‌بایست در برابر مجلس پاسخگو باشند؛ لذا مجلس در صورت تشخیص به ناکارآمدی دولت، از امکان استیضاح و برکناری رئیس‌جمهور و وزرای او برخوردار می‌باشد.

فارغ از مزایای فراوان این نوع از نظام‌ها من‌جمله اختیار گسترده ملت در تعیین سرنوشت کشور، نظام‌های ریاستی از معایبی همچون تأخیر در اتخاذ تصمیمات، ایجاد تغییرات گسترده در سیاست‌های خرد و کلان پس از تغییر رئیس‌جمهور و تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی به ملت و... نیز برخوردار می‌باشند. شایان‌ذکر است که نظام ریاستی علی‌رغم موفقیت در برخی کشورهای قدرتمند همچون ایالات متحده آمریکا، در طیف وسیعی از کشورهای جهان جنوب به دلیل عدم مدنیت متقن سیاسی و ارزش‌های خاص فرهنگی چندان مدل موفقیت‌آمیزی نبوده است.

کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه

کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه (United Nations Convention Against Torture) یک معاهده بین‌المللی است که به‌عنوان قطعنامه شماره ۴۶ مجمع‌عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ به تصویب رسید.
این کنوانسیون دولت‌ها را ملزم می‌کند که در هر قلمروی تحت حوزه قضایی خویش برای پیشگیری از شکنجه اقدامات تأثیرگذار را اتخاذ کنند. این کنوانسیون همچنین دولت‌ها را از انتقال افراد به هر کشوری که در آنجا امکان شکنجه‌شان وجود دارد، منع می‌کند.
کنوانسیون مزبور مواردی چون تعریف و اعمال صلاحیت نسبت به شکنجه را شامل می‌شود و در برگیرنده کمیته منع شکنجه‌ای است که به‌عنوان یک مرجع مستقل و تخصصی، مبادرت به نظارت بر اجرای کنوانسیون و مکاتبات دولت‌ها و افراد پیرامون آن می‌کند.
شایان‌ذکر است که این کنوانسیون پس از تصویب از سوی بیستمین دولت امضاکننده در ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ قدرت اجرایی بر خود گرفته است و ممانعت از اجرای آن توسط اعضای پیوسته شده دارای بار حقوقی بین‌المللی برای آنان می باشد.

تفتیش عقاید

تفتیش عقاید (Inquisition) به معنای آزاردادن افراد به دلیل اعتقادات و باورهای آنان می‌باشد. این مفهوم در معنای کلاسیک خود عبارت بود از هیئت های داوری مجهزی که کلیسای کاتولیک می‌کوشید از طریق آن‌ها به یکپارچگی اندیشه و عمل دینی در جوامع مسیحی دست یابد و کسانی که اعتقادات یا اعمالشان مغایر با آموزه‌های کلیسا بود را زیر شکنجه مجبور به اعتراف و همراهی با کلیسا نماید.

در پی پیروزی انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹، دستگاه‌های تفتیش عقاید به تدریج مورد حمله مردم قرار گرفتند و در طی یک قرن یکی پس از دیگری در کشورهای مختلف نابود شدند.

شایان‌ذکر است که امروزه بنا به قواعد و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر، همچون ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد منطقه‌ای همچون ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و طیف گسترده‌ای از قوانین اساسی کشورهای مختلف جهان، تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ شخصی را نباید به صرف داشتن عقیده‌ای مغایر با باورهای اصحاب قدرت مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

تغییرات اقلیمی

یکی از مباحث نگران‌کننده در عصر کنونی، مسئله تغییرات اقلیمی (Climate Change) است. افزایش تراکم گازهای گلخانه‌ای ناشی از مداخله بشر در طبیعت، به‌تدریج منتج به افزایش دمای کره زمین، نابودی جنگل‌ها و مراتع، آب شدن یخ‌های قطبی، افزایش سطح آب‌های اقیانوسی و انقراض موجودات زنده گردیده است؛ روندی که همواره از سوی صاحبان قدرت و ثروت انکار می‌شود. بدیهی است که تغییرات اقلیمی، نابرابری‌های بشری را بیشتر ساخته است؛ چرا که برخی جوامع به دلیل فقر، قدرت انطباق کمتری با این روند دارند. دراین‌بین، از جمله مؤلفه‌های حقوق بشری که در پرتو تغییرات اقلیمی در معرض تهدید قرار گرفته‌اند می‌توان از حق زندگی، غذای کافی، آب آشامیدنی سالم، برخورداری از استانداردهای سلامت جسمی و روانی و مسکن مناسب یاد نمود.

شایان‌ذکر است که تغییرات آب‌وهوا علاوه بر اثرگذاری منفی بر معیشت مردم، منتج به ایجاد مناقشات و درگیری میان کشورها گردیده و امنیت مناطقی از جهان را نیز بر هم زده است.

آزادی بیان

آزادی بیان (Freedom of Speech) از آن دست عباراتی است که در ظاهر مفهومی روشن دارد، اما با نظر به تفاوت‌های فرهنگی ملت‌ها تشریح آن کاری بس دشوار است. به‌صورت کلی آزادی بیان به معنای بیان نظرات، اندیشه‌ها و احساسات هر فرد، بدون اعمال هیچ محدودیت قانونی یا سیاسی بر وی می‌باشد.
آزادی بیان همواره در اسناد بین‌المللی مختلف، به‌عنوان نمونه ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مورد تأکید قرار گرفته است؛ لذا بدیهی است که حکومت‌ها می‌بایست بستر مناسبی را به‌منظور ابراز آزادانه نظرات و عقاید شهروندان خود فراهم نمایند. در این میان اگر قانونی از سوی حکومت تصویب شود و در کالبد آن، انتقاد به روال‌های اداری، اجتماعی و سیاسی جرم‌انگاری شود، قانون مزبور به عنوان ابزاری ناعادلانه جهت محدودکردن آزادی بیان مطرح خواهد شد.
در نهایت شایان‌ذکر است که آزادی بیان تنها به معنای آزادی کلام و سخن نیست؛ بلکه ابعاد دیگری همچون حق دسترسی آزادانه به اطلاعات، حق دسترسی به فناوری‌های جدید اطلاع‌رسانی و... را نیز شامل می‌شود.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه (International Humanitarian Law) از مباحث مهم مطرح در حقوق بین‌الملل می‌باشد و به معنای بخشی از موازین حقوقی ناظر بر مخاصمات مسلحانه است که به بررسی تضمین حقوق بشر در منازعات و مخاصمات بین‌المللی و غیر بین‌المللی می‌پردازد.
هدف اولیه حقوق بین‌الملل بشردوستانه، کاهش پیامدهای ناگوار و تلخ جنگ بود، اما هم‌زمان با توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل مبتنی بر اصل فردگرایی، مفهوم آن ناظر به احترام به شأن، منزلت و کرامت والای بشر در میانه مخاصمه و حتی بعد از آن گردید. به‌صورت کلی این قوانین از وقوع جنگ جلوگیری نمی کنند، اما دردها و آسیب‌های انسانی ناشی از آن را تا حدودی از طرفین مخاصمه می کاهند.
شایان‌ذکر است که حمایت از غیرنظامیان؛ همانند اسیران، مجروحان، بیماران، فراریان، زنان، کودکان، سالمندان و حتی احترام به اجساد مردگان، ممنوعیت قحطی و گرسنگی‌دادن به نظامیان و غیرنظامیان و ممنوعیت به‌کارگیری سلاح های مخرب و غیرمجاز، ازجمله قواعد و مصادیق حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند که نشأت گرفته از جنگ و درگیری‌ها نظامی می‌باشند.

حقوق مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری (Intellectual property rights) مشتمل بر قواعد حقوقی تنظیم شده جهت حفاظت از بروندادهای فکری افراد می گردد. این شاخه حقوقی به صاحبان بروندادهای فکری یا معنوی، حق بهره‌برداری رسمی از فعالیت های ابتکاری‌شان در اشکال مختلف، من‌جمله اقتصادی، به‌دوراز هر گونه امکان سرقت این فعالیت‌ها از سوی دیگران را اعطا می کند.

حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی یا هنری یا مالکیت ادبی و هنری معروف به حق مؤلف یا حق تکثیر، حق اختراع، حقوق بر مشتری، حق تاجران و صنعتگران نسبت به نام و علائم تجارتی و صنعتی از انواع مالکیت‌های فکری می‌باشند.

شایان‌ذکر است که برخی افراد نام «مالکیت فکری» را برای این حقوق ترجیح می دهند، ازآن‌جهت که منشأ این حقوق اندیشه انسان است؛ اما برخی دیگر واژه «مالکیت معنوی» را مناسب‌تر می‌دانند، ازآن‌جهت که حقوقی همچون سرقفلی بر اثر فکر و اندیشه تولید نمی‌شوند، بلکه فقط صرفاً به دلیل عدم موجودیت مادی در قلمرو این حقوق جای می گیرند.

حق رأی

حق رأی (Suffrage) به معنای حق هر شهروند برای رأی‌دادن به نماینده مدنظر خود به‌منظور حضور وی در ارکان مختلف نظام سیاسی کشورها، همچون ریاست جمهوری، مجلس و... است که در طی یک فرایند دموکراتیک چهارچوبی قانونی و حقوقی بر خود گرفته است. ناگفته نماند که این یک حق است و نه یک امتیاز.

حق رأی ارتباط تنگاتنگی با آزادی بیان و آزادی تجمعات دارد و آن را به‌مثابه یک عمل اجتماعی یا حتی تکلیف تلقی می‌کنند؛ زیرا تضمین‌کننده احترام به کثرت‌گرایی در یک جامعه دموکراتیک می‌باشد. شایان‌ذکر است که یکی از ویژگی‌های حق رأی، اصل محرمانه (مخفی) بودن آن است.

باید اشاره داشت که سلب حق رأی در عصر کنونی به‌عنوان نمودی عینی از نقض حقوق بشر محسوب می‌شود و در صورت سلب قانونی آن از افراد می‌بایست ارتباط قابل‌تشخیص و کافی بین مجازات سلب حق رأی برای یک فرد و رفتار و شرایط شخص محروم وجود داشته باشد؛ بنابراین اعمال محدودیت عمومی بر حق رأی افراد، بدون دلایل قانونی، مستدل و جهان‌شمول، نقض فاحش حقوق بشر می‌باشد.

دفاع مشروع

دفاع مشروع (Self-Defense) یکی از موضوعات مهم در عرصه حقوق بین الملل و به معنای حق ذاتی دفاع فردی یا جمعی در برابر دیگر کشورها در صورت وقوع حمله‌ای مسلحانه از سوی آن‌ها تا زمانی است که شورای امنیت اقدامات ضروری را برای اعاده و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ نکرده است.
به‌عبارت‌دیگر، دفاع مشروع حقی قانونی است که یک کشور می‌تواند با توسل به آن، تجاوز قریب‌الوقوع یا بالفعل دیگری را دفع نماید. شایان‌ذکر است که در خصوص توسل به اصل دفاع مشروع می‌بایست شرایطی وجود داشته باشد تا عمل دفاع موجه دانسته شده و مشمول مجازات نگردد. در این میان، دفاع کردن از جان خود و ملت در هر حالتی واجب دانسته شده و مشروط به هیچ شرطی نمی‌باشد. همچنین، ستاندن جان افراد متجاوز (بالفعل) برای امر دفاع، در صورت عدم عقب نشینی، کاملاً جایز شمرده شده و مشمول تبعات حقوقی برای مدافع نخواهد بود. در انتها باید اشاره داشت که دفاع مشروع امروزه اصلی پذیرفته در تمامی قوانین عرفی و قراردادی حقوق بین‌الملل می‌باشد.

حقوق اقلیت‌ها

اقلیت به گروهی از مردم اطلاق می‌شود که در یک کشور یا محل معین زندگی می‌کنند و از منظر مؤلفه‌های هویتی (فرهنگی، جنسیتی، نژادی، سیاسی و...) متفاوت از اکثریت جمعیت تعریف می‌شوند. بر اساس آرای حقوق بین‌الملل، حقوق این افراد تحت عنوان حقوق اقلیت‌ها (Minority rights) شناخته شده و منظور از آن، حق برخورداری اقلیت‌ها از حقوق سیاسی، مدنی و فرهنگی یکسان با اکثریت جامعه و عدم تعرض اکثریت به مؤلفه‌های هویتی این دسته از افراد به‌صرف کمتر بودن تعدادشان می‌باشد.

اصطلاح حقوق اقلیت‌ها نخستین‌بار در سال ۱۸۱۴ و در طی کنگره وین مطرح گردید و پس از آن به‌کرات در کنفرانس‌ها و قراردادهای مختلف همچون کنفرانس صلح پاریس ۱۹۱۹، منشور ملل متحد و کنوانسیون‌های حقوق بشری مورد اشاره قرار گرفت.

اصطلاح مزبور در نظام حقوق بشری سازمان ملل متحد در طی قرن بیستم عمدتاً به اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی موجود در هر یک از کشورها محدود می‌گردید؛ اما در طی دهه‌های اخیر، این سازمان تمرکز ویژه‌ای را بر ابعاد دیگری از مفهوم اقلیت همچون مسئله گرایش‌های جنسیتی مبذول داشته است.

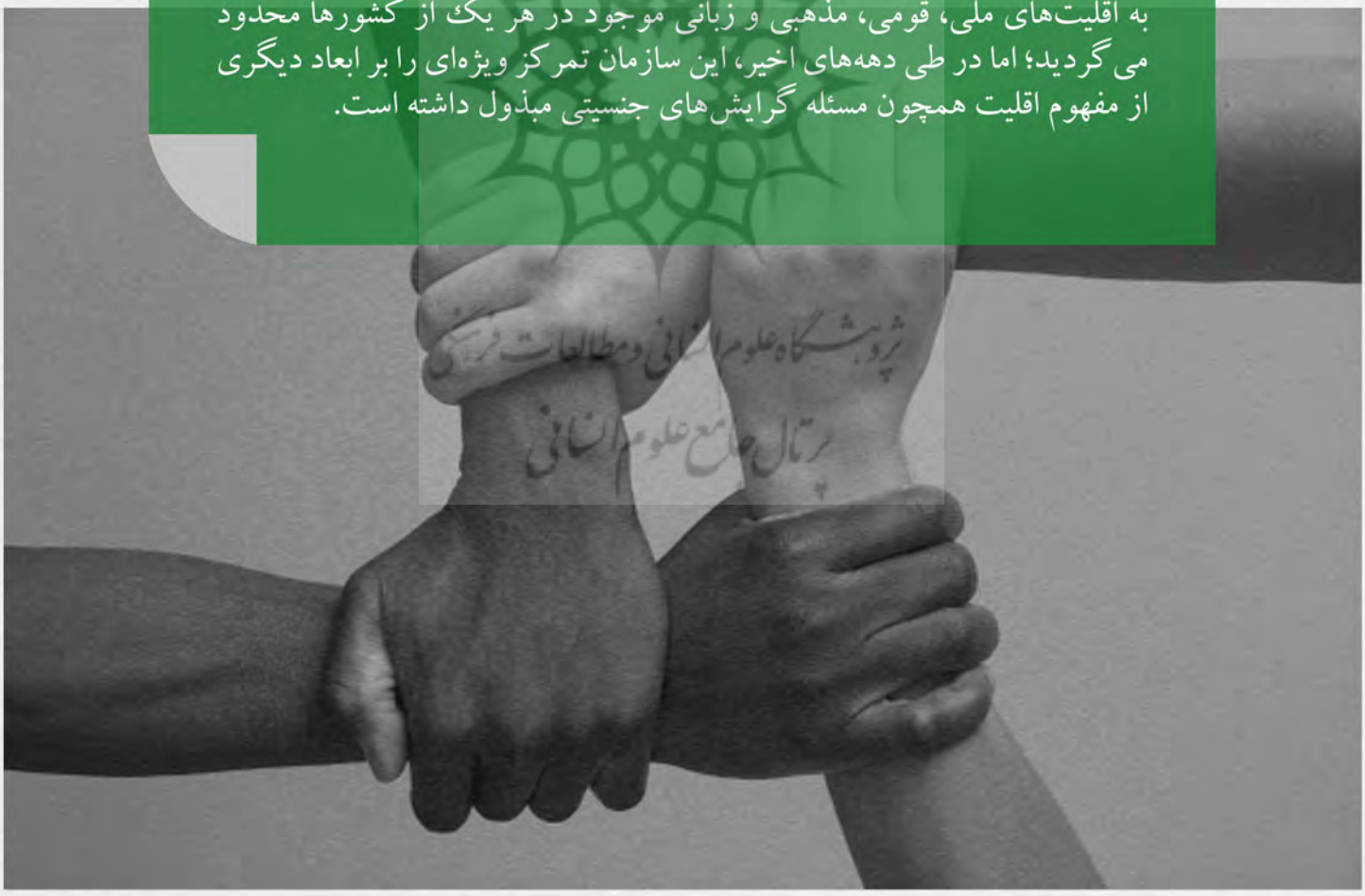

حق تعیین سرنوشت

حق تعیین سرنوشت (Right to self-determination) به معنای آزادی عمل، اختیار و خودمختاری انسان در تعیین سرنوشت خویش است. به‌موجب این حق، تمامی افراد و جوامع صرف‌نظر از قومیت، نژاد، جنسیت و مذهب می‌توانند امور خویش را در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دست گیرند.

در دنیای معاصر حق مزبور بسیار حایز اهمیت می‌باشد؛ به‌طوری که به معیاری برای دموکراتیک و غیردموکراتیک دانستن نظام‌های سیاسی مبدل گردیده است. اگرچه این حق تا مدت‌های مدید دارای بار مفهومی سیاسی بود، اما به‌تدریج با درج در اسناد بین‌المللی به‌عنوان یک اصل حقوقی چندوجهی مورد شناسایی همگان قرار گرفت.

شایان‌ذکر است که حق تعیین سرنوشت با نظر به برخی وجوه واگرایانه سیاسی-فرهنگی خود، به‌ویژه در ارتباط با اقلیت‌های قومی که درصدد خودمختاری سیاسی (در کالبد فدرالیسم) یا جدایی کامل از خاک یک کشور و تشکیل کشوری جدید برمی‌آیند، همواره با چالش‌های فراوانی از حیث شناسایی متقن و عینیت‌بخشی به آن از سوی اغلب کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، علی رغم پذیرش کلیات حقوقی آن، مواجه بوده است.

حقـوق زنان

حقوق زنان (Women's rights) به معنای کاربست بی‌قیدوشرط موقعیت‌ها و مزایای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و آموزشی یکسان با مردان برای زنان است؛ مزایایی که غالباً در طول تاریخ بشر به‌واسطه تسلط نگرش مردسالارانه در جوامع مختلف نسبت به زنان نادیده انگاشته شده‌اند.

امروزه مبحث حقوق زنان معمولاً شامل حق رأی، حق کار و دستمزد برابر، حق مالکیت، حق تحصیل، حق مشارکت در قراردادهای قانونی، حق اختیار در ازدواج و طلاق، حق سرپرستی فرزند و شماری از موارد دیگر می‌گردد. در این میان، اعمال کامل حقوق فوق بنا به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جوامع، همچنان با چالش‌های مختلفی دست‌به‌گریبان می‌باشد.

شایان‌ذکر است که امروزه مفهوم حقـوق زنان در پرتو شکل‌گیری میثاق‌ها، کنوانسیون‌ها، تشکیل کنفرانس‌ها، صدور بیانیه‌ها و تنظیم اسـناد بین‌المللی متعدد، نظمی متقن بر خود گرفته است؛ تکاپوهایی که به‌منظور تضمین حقوق انسانی این قشر در دنیای جهانی شـده امروزی و ایجاد تعادل با معیارهای جهان‌شمول حقوق بشـری صورت پذیرفته‌اند.

دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه (Right to a fair trial) یکی از اصول اساسی حقوق بشر بوده که در اسناد بین‌المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مستقیماً به آن اشاره شده است. این اصل بیان می‌دارد که هر فردی می بایست از حق محاکمه عادلانه و منصفانه در یک دادگاه بی‌طرف و مستقل داخلی و خارجی برخوردار باشد.

به‌صورت کلی، دادرسی عادلانه درصدد ارائه تضمین‌های کلی جهت رعایت حقوق اشخاص در فرایند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاه‌های صلاحیت‌دار و قابل‌پیش‌بینی در مکانیزم قضایی کشورها و نهادهای بین‌المللی می‌باشد.

اصل فوق شامل چندین مؤلفه کلیدی همچون حق دسترسی تمامی انسان‌ها به دادگاه در جهت مطالبه حقوق خود، حق متهمان برای دفاع از خویش توأم با امکان بهره‌مندی از وکیل و لزوم برگزاری علنی محاکمه به‌منظور تضمین شفافیت دادگاه و نظارت عمومی بر آن می گردد.

شایان‌ذکر است که مؤلفه‌های مذکور به‌ویژه در امور کیفری حائز اهمیت‌اند، زیرا تضمین می کنند که هیچ فردی بدون محاکمه عادلانه محکوم نمی‌شود و حقوق اساسی وی حفظ می‌شود.

حق بر سلامتی

حق بر سلامتی (Right to health) به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های حقوق بشری، به معنای حق هر فرد برای دستیابی به بالاترین استانداردهای ممکن سلامت جسمی و روانی است. این حق نه‌تنها به‌خودی‌خود ارزش ذاتی دارد، بلکه به‌عنوان پیش‌شرطی برای تحقق سایر مؤلفه‌های حقوق بشری محسوب می‌شود. در حقیقت، سلامت جسم و روان افراد، پایه‌گذار توانایی‌های آنان برای بهره‌مندی از حقوق دیگری مانند حق بر آموزش، کار، مشارکت در زندگی اجتماعی و فرهنگی و دسترسی به عدالت است.

ابعاد اجرایی حق بر سلامتی گسترده و شامل موارد مختلفی از جمله کاهش مرگ ومیر نوزادان، بهبود کیفیت بهداشت محیطی، پیشگیری و درمان بیماری‌ها، و مبارزه با اپیدمی‌ها می‌شود. این حق همچنین ایجاب می‌کند که شرایط مناسبی برای ارائه خدمات پزشکی، بهداشت عمومی و کمک‌های اضطراری فراهم شود، به‌طوری که همه افراد در اقصی‌نقاط گیتی به این خدمات دسترسی داشته باشند. شایان‌ذکر است که این حق می‌بایست باتوجه‌به ارزش‌ها و باورها خاص هر فرد تأمین گردد تا عدالت اجتماعی به شکل کامل‌تری تأمین گردد.